

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

نکاتی درباره شهادت حضرت زهرا سلام الله عليها

در آستانه سالروز شهادت حضرت زهرا(سلام الله عليها) قرار داریم.

در روایتی امام باقر(علیه السلام) نقل می‌کند «لَمَّا وُلِدَتْ فَاطِمَةُ(علیها السلام) أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى مَلَكٍ فَأَنْطَقَ بِهِ لِسَانُ مُحَمَّدٍ فَسَمَّاهَا فَاطِمَةَ ثُمَّ قَالَ إِنِّي فَطَمْتُكَ بِالْعِلْمِ وَ فَطَمْتُكَ عَنِ الطَّمْثِ».^[1]

در مورد حضرت زهرا(سلام الله عليها) دو موضوع خیلی مهم وجود دارد؛

اول: مقامات آن حضرت است که مع الاسف هنوز این جهات برای خیلی از خواص هم روشن نیست چه رسد به عموم مردم. مقاماتی که این بانو با عنایت خاص خدای تبارک و تعالی پیدا کرده انسان را به خوبی به این نتیجه می‌رساند که یکی از پادشاهایی که خدای تبارک و تعالی به پیامبر اکرم(ص) عنایت فرمود، وجود مبارک حضرت زهرا(سلام الله عليها) است.

آیه شریفه «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» را که مشهور بر فاطمه زهرا(سلام الله عليها) تطبیق می‌کنند درست است که یک جنبه اصلی‌اش بیان اُبتَر بودن دشمنان پیامبر بود، «إِنْ شَانَتْكَ هُوَ الْإِبْتَر» ولی جنبه دیگرش اعطای پاداش به پیامبر اکرم(ص) در مقابل زحمات فراوانش برای اسلام است که خود همین جهت بحث زیادی دارد.

موضوع دیگر مصائب آن حضرت است. این هم عجیب است. مصائبی که بر این بی‌بی وارد شده از جمله مصائبی است که به تعبیر خود حضرت «صَبْتُ عَلَى مَصَائِبُ لَوْ أَنَّهَا صَبْتُ عَلَى الْأَيَّامِ صِرْنَ لَيَالِيَا» این هر دو موضوع باید با هم مورد توجه قرار بگیرد و غفلت از هیچ کدام درست نیست.

اساساً خود شناخت حضرت زهرا(سلام الله عليها) باید در کتابهای درسی حوزه‌های علمیه و دانشگاه و آموزش و پرورش قرار گیرد. نباید به این حد اکتفاء کنیم که پیامبر اکرم(ص) دختری به نام فاطمه داشت، که همسر امیرالمؤمنین(ع) شد و در سن 18 سالگی بر طبق روایت مرحوم کلینی از دنیا رفت.

بلکه باید دید این بانو کیست و چه موجود شریفی در عالم است؟

در روایت فرموده‌اند: نبوت هیچ نبی‌ای به آن درجه اعلایش تکامل نیافت مگر با اقرار به فضل حضرت زهرا(ع) و محبت ایشان. «ما تكاملت النبوة لنبي حتي أقر بفضلها و حبها»، هر پیامبری از انبیاء گذشته اگر می‌خواست نبوتش به حدّ اعلی برسد، جزء آخر تکامل نبوت او؛ اقرار به فضل حضرت زهرا(سلام الله عليها) و محبتش بوده است.

یا در این روایت که امام باقر(علیه السلام) می‌فرماید: «لَمَّا وُلِدَتْ فَاطِمَةُ(علیها السلام) أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى مَلَكٍ هَنَگَامٌ تُولَدُ حَضْرَتٌ، نَامُ فَاطِمَةَ رَأْسَ مَلِكٍ مِنْ جَانِبِ خُذَا بَرِّ لِسَانٍ مُبَارَكٍ بِبَیَامُرِ اکْرَمٍ(ص) قَرَار دَاد. ادامه روایت روشن می‌سازد که این مجرد یک نامگذاری نبود. ظاهر روایت این است که فاعل این نامگذاری، خود خدای تبارک و تعالی است.

بعد که می‌فرماید: «إِنِّي فَطَمْتُكَ بِالْعِلْمِ» این به چه معناست؟ یک احتمال این است که «قَطَعْتَكَ عَنِ الْجَهْلِ بِسَبَبِ الْعِلْمِ»، اصلاً در وجود تو من اجازه نمی‌دهم جهل راه پیدا کند، من به سبب علمی که به تو عنایت کرده‌ام ریشه جهل را برای همیشه از وجود تو زدوده‌ام.

احتمال دوم این است که علم را مقرون و همراه فطام و جدایی تو از شیر مادر قرار دادم «جَعَلْتُ فُطَامَكَ مِنَ اللَّبَنِ مَقْرُونَةً بِالْعِلْمِ». این دو معنا کنایه از این است که حضرت در همان بدو خلقت، عالم به علوم ربانیه بوده و تاریخ کوتاه زندگی حضرت هم همین را نشان می‌دهد هر مسئله و هر سؤال فقهی را از حضرت می‌پرسیدند به‌خوبی پاسخ می‌داد. عالم به قرآن بود. استدلال‌های فراوان حضرت به قرآن کریم در خطبه فدکیه شاهد بر این است.

حتی نمی‌توان گفت نزد امیرالمؤمنین(ع) درس خوانده است. خدای تبارک و تعالی همان علم لدنی و قوه معنوی الهیه که به ائمه معصومین(علیهم السلام) عنایت کرد را در وجود مبارک حضرت قرار داد.

احتمال سوم این است که «فَطَمْتُكَ» را به صیغه باب تفعیل بخوانیم، اگر «فَطَمْتُكَ» باشد به این معنا می‌شود که «جَعَلْتُكَ قَاطِعَةً النَّاسِ مِنَ الْجَهْلِ»، با صیغه مجرد «فَطَمْتُكَ» معنایش این بود جهل را از خود تو دور کردیم، ولی «فَطَمْتُكَ»، یعنی تو را موجودی قرار دادیم که جامعه و بشر را از جهل نجات می‌دهد، این چه معنای بلندی است.

وجود گرانقدری که نه فقط شیعیان و مسلمانان را، بلکه تمام بشر را تا قیامت از جهل نجات می‌دهد، یعنی اگر بشر بخواهد از شرّ جهل و جهالت نجات پیدا کند باید با فاطمه(ع) ارتباط داشته باشد. نه فقط مردم زمان حضرت، بلکه بشر امروز و آینده اگر بخواهد خدا را بشناسد، باید فاطمه(ع) را بشناسد. این حدیث افقی را باز می‌کند تا بحث‌های زیادی در مسئله فاطمه شناسی عنوان شود.

در ادامه حدیث، خدای تبارک و تعالی می‌فرماید «فَطَمْتُكَ عَنِ الطُّمَثِ»، «طُمَثٌ» یا همان خون زنانه است یا مطلق آلودگی، که یک مصداقش آن خون می‌شود. معنای حدیث چنین است که این وجود شریف اینقدر پاک و نورانی است که نه تنها وجودش را خداوند غرق در علم کرده، بلکه از آلودگی‌های ظاهری زنانه هم جدایش کرده است.

در بعضی از روایات فرموده‌اند «إِنَّ بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ لَا يَطْمُئِنُّنَّ»، دختران انبیاء حیض نمی‌شوند. ولی در اینجا مطلق طمث و آلودگی مراد است و اشاره‌ای اجمالی به مقام حضرت زهرا(ع) دارد.

اگر کسی این روایت را باور داشته باشد آیا در صدیقه بودن و راستگویی این بانو تردید می‌کند؟ آیا می‌تواند بر ادعای مالکیت فدک از حضرت، مطالبه دلیل و بینه کند؟

اینها یا برای این جهت بوده که از مقامات این بانو دور بودند. همان‌طور که خود رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین(ع) را نشناختند، این بانو را هم نشناختند و این مصائب عجیب را بر حضرت وارد آوردند. ما شدت مصائب حضرت زهرا(ع) را وقتی می‌توانیم بفهمیم که به این مقامات توجه داشته باشیم. آنگاه انسان قلبش آتش می‌گیرد و با همه وجود، خون گریه می‌کند.

یا برای این جهت بود که سران سقیفه دختر و داماد پیامبر را به خوبی می‌شناختند، ولی می‌خواستند آنها را در حدّ یک فرد عادی و معمولی نزد مردم جلوه دهند.

حضرت فاطمه (علیها السلام) یک زن معمولی نبود. آن اهانت‌ها و آن تضییع حق و محروم کردن از ارث و آن مصیبت‌ها که بر بی‌بی وارد کردند، در مقابل این جنایتی که بر شخصیت حضرت وارد کردند ناچیز بود. چون خداوند حضرت را برای هدایت بشر و زدودن جهل و نادانی از بشریت قرار داده بود.

باید فاطمه را بشناسیم. این بانو بعد از ارتحال پیامبر (ص) در همین مدت کوتاه 75 یا 90 روز، برای حفظ اسلام و دفاع از ولایت امیرالمؤمنین چه کرد؟ ممکن است به ذهن فرد نادانی خطور کند چون امیرالمؤمنین شوهرش بود می‌خواست حق او از بین نرود. خیر، فاطمه برای اساس اسلام احساس خطر می‌کرد. از همان روزی که پیامبر (ص) به رحمت خدا رفت یا شهید شد، فرمایشات بی‌بی را که کنار هم بگذارید، نه فقط خطبه فدکیه، بلکه خطبه‌ها و صحبت‌هایش با زنان مهاجر و انصار، همه یک محور دارد که انحرافی در بشر به وجود آمده که این انحراف تا قیامت در بشر باقی می‌ماند. حضرت برای این می‌سوخت و فریاد می‌زد.

می‌فرمود اگر از پیامبر (ص) تبعیت کنید، اگر ولایت علی بن ابیطالب (ع) را بپذیرید نتیجه‌اش این خواهد شد که بین دو نفر اختلاف ایجاد نمی‌شود!

تأکید حضرت نه فقط برای فدک بلکه برای این بود که چرا انحراف در اسلام ایجاد کردید؟ چرا ولایت حقه الهیه امیرالمؤمنین (ع) را ضایع کردید؟ گرچه برای احقاق حق مسلم خود که از او گرفتند و فدک را غصب کردند، عقلاً و شرعاً باید فریاد می‌زد.

نباید در زمان ما شیعه‌ای پیدا شود که در این مسائل تشکیک کند. بحمدالله امروز فاطمیه احیاء شده است.

مرحوم والد ما رضوان الله تعالی علیه سال 72 و 73 در اولین سخنرانی برای احیاء فاطمیه در جمع عده‌ای از ائمه جماعات فرمودند باید راجع به فاطمیه کار کنیم، دشمن می‌خواهد فاطمیه را از ما بگیرد.

آن زمان ایشان احساس خطر کرده بود. چون مقاله‌ای چاپ شده بود به‌عنوان «فاطمه زهرا از ولادت تا افسانه شهادت» پدر ما وقتی این مجله به دستش رسید بدنش شروع به لرزیدن کرد و اشک از چشمانش جاری شد فرمودند عجب! شد افسانه‌ی شهادت؟ پس شروع کرده‌اند تا در این حقایق یکی پس از دیگری تردید ایجاد کنند. وظیفه ما، هر طلبه، هر شیعه، هر مسلمانی، به عنوان یک وظیفه شرعی، نه به عنوان یک تکریم استحبابی (که بگوئیم خوب است این کار انجام شود) این است که فاطمیه را احیاء کنیم. لذا هیئات و منبری‌ها را دعوت کردند و آنها را ترغیب به برپایی مجالس عزاداری کردند.

چند سال به‌طور مرتب پیام به مردم دادند، مراجع بزرگ دیگر مرحوم آیت الله العظمی تبریزی (رضوان الله تعالی علیه) و مرجع بزرگوار حضرت آیت الله العظمی وحید هم برای فاطمیه فریاد زدند و عجیب این بود که همه اینها مقارن با هم شد بدون اینکه از قبل با هم صحبت و توافقی کنند که این ماجرا هم داستان‌های خوبی دارد.

بحمدالله بعد از اینکه مراجع بزرگ ما فریاد احیای فاطمیه را بلند کردند، تحقیقات گسترده‌ای انجام شده و مدارک زیادی از منابع خود اهل سنت در مورد مصائبی که بر حضرت زهرا (ع) وارد شد از پشت در قرار گرفتن، از آتش زدن درب و هجوم به بیت، از سقط جنین، از ضربه زدن قنقذ به دست آمده است.

در صفحه 34 جلد دوم فرائد السمطين جوينی که استاد ذهبي است و خیلی هم مورد اعتماد اهل سنت است از ابن عباس نقل می‌کند که «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ جَالِساً ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ أَقْبَلَ الْحَسَنُ (عليه السلام)» یک روز پیامبر (ص) نشسته بودند که امام حسن (ع) وارد شد، «فلما رآه بكى»، حضرت وقتی امام حسن (ع) را دید شروع کرد به گریه کردن، «ثم قال إلیَّ إلیَّ یا بنی»، سپس او را به سوی خود خواندند و روی پای راست خود نشانند.

بعد امام حسین (ع) وارد شد حضرت شروع کردند به گریه کردن و امام حسین (ع) را روی پای چپ خود نشانند.

سپس حضرت زهرا (سلام الله علیها) وارد شد «ثم أقبلت فاطمة (ع) فلما رآها بكى ثم قال إلیَّ إلیَّ یا بنیة، فاجلسها بین یدیه»، حضرت مجدد گریستند و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را مقابل روی مبارکشان نشانند.

«ثم أقبل أمير المؤمنين (عليه السلام) فلما رآه بكى ثم قال إلیَّ یا اخي فما زال يدنيه حتى أجلسه إلی جنبه الأيمن» آنگاه امیرالمؤمنین وارد شدند پیامبر باز شروع کردند به گریه کردن و فرمودند برادر من بیا در سمت راست من بنشین.

بعد اصحاب به رسول خدا (ص) عرض کردند یا رسول الله این چه چیزی است که ما امروز می‌بینیم؟ حسن وارد شد گریه کردی، حسین وارد شد گریه کردی، فاطمه و علی وارد شدند گریه کردی؟

فرمود گریه‌ی من برای مصائبی است که بر همه اینها وارد می‌شود و شروع به بیان تک تک مصائب کردند.

وقتی به ذکر مصائبی رسیدند که بر حضرت زهرا (ع) وارد می‌شود فرمودند: «فأما ابنتی فاطمة و أَنِّي لَمَّا رَأَيْتُهَا ذَكَرْتُ مَا يُصْنَعُ بِهَا بَعْدِي كَأَنِّي بِهَا وَ قَدْ دَخَلَ الذُّلُّ فِي بَيْتِهَا» می‌بینم که خانه دختر من را مورد اهانت قرار می‌دهند. با چه وضع فجیعی وارد این خانه می‌شوند؟ خانه‌ای که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید به خانه هر مسلمانی که می‌خواهید وارد شوید با اجازه وارد شوید، اینها با آتش زدن اجازه گرفتند. «وَ انْتَهَكْتَ حُرْمَتَهَا وَ غَضِبْتَ حَقَّهَا وَ مُنِعْتَ ارْتِئَافَ كُسْرِ جَنْبِهَا وَ اسْقَطْتَ جَنْبَهَا» هتک حرمتش کرده و حقش را غصب می‌کنند، از ارث ممنوعش می‌کنند، پهلویش را می‌شکنند و جنبش را سقط می‌کنند.

«و هِيَ تُنَادِي: يَا مُحَمَّدَاهُ! فَلَا تُجَابُ وَ تَسْتَغِيثُ فَلَا تُغَاثُ» من را صدا می‌زند و احدی جواب او را نمی‌دهد. استغاثه می‌کند هیچ کس به فریادش نمی‌رسد! «فلا تزال بعدی محزونةً مكروبةً باكيةً»، دخترم بعد از من آرامش و شادی نخواهد داشت و دائماً محزون و اندوهگین و گریان است.

«فَتَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يَلْحَقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَتَقْدَمُ عَلَيَّ مَحْزُونَةً مَكْرُوبَةً مَغْمُومَةً مَغْصُوبَةً مَقْتُولَةً» اول کسی است که از اهل بیت من ملحق می‌شود در حالی که وقتی پیش من می‌آید شهیده بر من وارد می‌شود.

«يقول رسول الله (ص) عند ذلك اللَّهُمَّ الْعَن مَنْ ظَلَمَهَا وَ عَاقِبَ مَنْ غَضَبَهَا وَ ذَلَّلَ مَنْ أَذَلَّهَا وَ خَلَدَ فِي نَارِكَ مَنْ ضَرَبَ جَنْبَهَا حَتَّى أَلْقَتْ وَلَدَهَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ ذَلِكَ آمِينَ»؛ سپس پیامبر نفرین و لعن کردند بر ظالمین به این بانو و آنها که حقش را غصب کردند و ضربه بر پهلویش زدند و فرزندش را سقط کردند. وقتی حضرت نفرین کرد، ملائکه الهی آمین گفتند.

این حدیثی است که در یک کتاب معتبر از اهل سنت وارد شده و تصریح به جنایت‌هایی دارد که در حق حضرت زهرا (ع) وارد شده است.

این یک بحث احساسی در بین شیعه نیست که انسان بخواهد احساسات افراد را برانگیزد. اینها حقایقی است که در کتب شیعه و

بنابراین همان طور که ما باید به مقامات حضرت زهرا(ع) توجه کنیم به این مصائب غیرقابل تردید هم باید توجه کنیم.

اصلاً نیازی به کتاب ندارد. الآن بعد از 1400 سال که از شهادت این بی‌بی می‌گذرد می‌پرسیم قبر آن بی‌بی کجاست؟ خواهند گفت فلان جا. ممکن است در بعضی از روایات ما هم اشاره به جایی شده باشد، اما آنها را باید حمل بر تقیه کرد. چون مسلم است که بنابر وصیت آن حضرت، قبر آن حضرت مجهول است.

وقتی امیرالمؤمنین(ع) فاطمه(س) را دفن کرد، یک روایت معتبر در کافی می‌فرماید «عفی عن قبرها» حضرت آثار قبر را محو کرد تا معلوم نشود اینجا کسی دفن گردیده است.

ما باید نسبت به حضرت زهرا(س) بیشتر توجه کنیم. چه سرمایه‌ای بالاتر از این برای قیامت ماست؟ من نمی‌گویم فقط به مسئله مصیبت خوانی و دسته‌های عزاداری بپردازیم که اینها همه باید باشد، منتهی تلاش کنیم حضرت زهرا(س) را بشناسیم، از خود حضرت استمداد کنیم در مباحث علمی‌مان به او متوسل شویم. این بی‌بی سرمایه‌ای است که نظیر ندارد، نه قبل و نه بعد از او، سیده نساء الاولین و آخرین است. به راحتی از کنار این قضیه نگذریم.

ما می‌خواهیم با فاطمه(ع) اسلام را نگه داریم، شیعه و انقلاب را نگه داریم. انقلاب ما پرتوی از عظمت حضرت زهراست. ایثارگری مردم فداکار و جانفشانی‌های شهدای گرانقدر انقلاب، گوشه‌ای از ادای حق ملت ما به آن حضرت است.

ما با این انقلاب، امیرالمؤمنین و اولاد او را در دنیا محور قرار داده‌ایم، می‌گوییم زیر پرچم امیرالمؤمنین(ع) و اولاد امیرالمؤمنین(ع) هستیم، که محور همه آنها فاطمه زهرا(سلام الله علیها)ست.

انقلاب ما پرچمش ولایت است، با انقلاب، فاطمه(س) در دنیا اوج گرفت، امیرالمؤمنین(ع) در دنیا اوج گرفت، عده‌ای که با انقلاب مخالفند سنگ ولایت به سینه زده و می‌گویند این انقلاب مثلاً با ولایت چه کرد؟! این افراد اشتباه می‌کنند! ممکن است یک کسی، یک مسئولی، یک دولتی خطایی و خیانتی کند، ولی آنها به خودشان خیانت می‌کنند. این انقلاب به برکت آن روح پاک و قدسی امام(رضوان الله تعالی علیه) و خون‌های شهیدان و خون پاک شهید قاسم سلیمانی، این سردار عزیزی که با شهادتش انقلاب از نو زنده شد، ولایت را إحياء کرده است.

پرچم این انقلاب إحيای فاطمه زهرا(س) و إحيای امیرالمؤمنین(ع) و إحيای ولایت است. ما زیر این پرچم سینه می‌زنیم و همه عشق‌مان همین است، لذا وظیفه داریم شخصیت فاطمه زهرا(ع) و سخنانی که در قضایای مختلف زده که یکی از آنها خطبه فدکیه است را هر چه بیشتر تبیین کنیم، که این کار خدمت به اسلام و اهل‌بیت و انقلاب است. إن شاء الله.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

[1] «وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: لَمَّا وُلِدَتْ فَاطِمَةُ عَ أُوحِيَ لِلَّهِ إِلَى مَلِكٍ فَأَنْطَقَ بِهِ لِسَانٌ مُحَمَّدٍ صَ فَسَمَّاَهَا فَاطِمَةَ ثُمَّ قَالَ إِنِّي فَطَمْتُكَ بِالْعِلْمِ وَفَطَمْتُكَ مِنَ الطَّمْتِ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَ وَ اللّٰهُ لَقَدْ فَطَمَهَا اللّٰهُ بِالْعِلْمِ وَ عَنِ الطَّمْتِ فِي الْمِيتَاقِ.» الكافي (ط - الإسلامية)، ج 1، ص: 460.

